

... در تهران به این مکتب چندان اعتنایی نشده است. اگرچه حسادتها و مناسبتها نمی گذاشت تا خوانندگان اصفهانی از امکانات رادیو تلویزیون برخوردار باشند، اما آنچه مسلم است این است که تاج و بقیه هنرمندان اصفهانی از جمله حسن کسایی در دل ملت ایران جایی شایسته دارند...»
بار دیگر مسیر زندگی هنری این هنرمند سترگ را پی می گیریم:

او کار خود را در رادیو ادامه داد و در هر برنامه تازه ای که اجرا می کرد شگردی نو به کار می بست به طوری که هرگز آوازهای او تکراری نبود. او ظرافتها و شیرین کاریهایی را چاشنی آواز خود می کرد که تمامی نداشت و هر بار و در هر اجرا شیوه های به کار می بست که نو بود و قبلاً نه دیگران و نه

خودش به آن گونه آواز نخوانده بودند. حضور تاج در برنامه گلهای رادیو، رنگ و روحی تازه به برنامه داد و روانشاد داوود پیرنیا^{۲۲} برنامه هایی خاص و در حد وسعت حنجره تاج برای او تدارک می دید.

در آن سالها همه مشتاقان حضور مداوم تاج را در برنامه های رادیو حس می کردند در حالی که تک و توکی از خواص و آشنایان می دانستند که تاج اصلاً ساکن اصفهان است و خانواده و زن و بچه اش هم در آن شهرند. حالا چطور او همیشه و در موعد معینی برای اجرای برنامه خود را به تهران می رساند، از نکاتی است که مورد سوال همه کس بود.

تاج بسیار منظم و خوش قول بود و به هر صورت که ممکن می شد با جاده های خاکی و اتوبوسهای قراضه و نامنظم

بخش آخر

سکوت چکاوک

بهمن بوستان

شهنازی، روانشاد تاج اصفهانی و استاد علی تجویدی^{۲۳} آهنگساز معروف حضور داشتند. پس از اینکه آقای اصغر شاه زیدی قطعات انتخاب شده در «شور» را با صلابت تمام خواند مرحوم حاج علی اکبر خان شهنازی به تاج گفت: «آقای تاج نظر شما چیست؟» آقای تاج با فروتنی ویژه خودش جواب داد: «این دو جوان (به آقای شاه زیدی و افتخاری اشاره کرد) هم شاگرد من هستند و هم اصفهانی. اصلاح این است که من نظر ندهم تا آقایان دیگر رای خود را اعلام کنند...»

کسانی که در ردیف پشت سر داوران نشسته بودند به این همه درایت و متانت احسنت گفتند و بعد وقتی که مرحوم حاج علی اکبر خان باز تاکید و اصرار کرد، استاد تجویدی که با روحیه تاج به خوبی آشنا بود خطاب به آقای شهنازی گفت: «استاد اصرار نفرمائید روش و اخلاق آقای تاج همین است...» با همه این اوصاف بالاخره در آن آزمون با رای داوران آقای شاه زیدی نفر اول و آقای افتخاری نفر دوم شدند. ولی این سعه صدر مرحوم تاج مدتها زبانزد شده بود.

شاخه دیگری از فعالیتهای روانشاد تاج اصفهانی شرکت در کنسرتها بود. این کنسرتها از دو دسته خارج نبود. یا از سوی سازمانها و مقامات مملکتی در گوشه و کنار کشور برگزار می شد و یا اجراهایی در خارج از کشور بود. در داخل مملکت اکثراً در اهواز و آبادان و شیراز و تبریز کنسرتها به دعوت شرکت ملی نفت و یا سازمانهای دیگر ترتیب می دادند که اکثراً مورد استقبال فراوان مردم هنردوست واقع می شد بخش دیگری از این فعالیتها برنامه های منظمی بود که هر ساله باید انجام می شد، مثل برنامه های جشن هنر شیراز. این برنامه ها اکثراً با یاری و همکاری استاد حسن کسایی و استاد جلیل

آن زمان و با سرویسهای شبانه حرکت می کرد و روز بعد هرطور بود رأس ساعت مقرر خود را به رادیو می رساند، در حالی که بسیاری از نوازندگان ساکن تهران تاخیر داشتند، دیر می آمدند و یا اصلاً نمی آمدند! مرحوم پیرنیا همیشه این روش پسندیده تاج را ستایش می کرد و به دیگران توصیه می کرد که از او پیروی کنند.

روانشاد تاج علاوه بر اجرای برنامه در رادیو و تلویزیون، به اتفاق استاد حسن کسایی نیز در دانشگاه فارابی اصفهان هم تدریس می کرد و به اتفاق همین دوست نزدیک و استاد بزرگ نی یک دوره گزیده ردیف آوازی و سازی در رادیو اصفهان اجراء کردند که انشاءالله در آرشیو مرکز رادیو تلویزیون اصفهان موجود است.

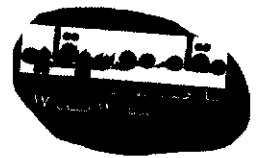
این تنها ردیف آوازی و سازی است که به شیوه مکتب اصفهان اجرا شده است.

روانشاد تاج به عنوان استاد برگزیده و مسلم آواز یکی از داوران اصلی و دائمی آزمون باربد نیز بود و نظر و رای او در گزینشها قاطع و صائب بود.

به یاد دارم که در دومین دوره آزمون باربد که در تالار آیینه باغ فردوس تجریش برگزار می شد دو تن از شاگردان مرحوم تاج هم شرکت کرده بودند.

این دو یکی آقای علی اصغر شاه زیدی و دیگری آقای علیرضا افتخاری بودند. این دو به همراه دو سنه نفر دیگر از مرحله نخست گزینش گذشته بودند و برای مرحله نهایی نامزد شده بودند. حالا می باید از میان این چند تن نفرات اول تا سوم انتخاب شوند.

آن روز در جلسه آزمون شادروان حاج علی اکبر خان



صبا (سه تار، ویلن و...)، رضامحجوبی (ویلن)، مرتضی محجوبی (پیانو)، حسین خان یاحقی (ویلن، کمانچه)، ارسلان خان درگاهی (تار و سه تار)، اکبر خان نوروزی (تار)، حاج علی اکبر خان شهنازی (تار)، عبدالحسین خان شهنازی (تار)، استاد احمد عبادی^{۳۴} (سه تار)، رکن الدین خان مختاری (ویلن)، غلامرضا سازنگ (کمانچه)، شعبان خان شهناز (پدر جلیل شهناز)، علی خان شهناز (تار)، حسین خان شهناز (تار)، علی تجویدی (ویلن)، و بسیاری هنرمندان دیگر که در محافل خصوصی و عمومی تاج را همراهی کرده‌اند. اساساً تاج در خواندن آواز از جهت نوازنده سخت گیر نبود و با ملاطفت و خوشروئی با هر سازی ولو مبتدی، آواز می‌خواند و کبر و غرور کاذب اکثر هنرمندان آواز خوان را نداشت.

تاج در آوازها بیشتر غزلهای سعدی را می‌خواند. این نکته را مرحوم روح الله خالقی در برنامه رادیویی «یادی از هنرمندان» به این گونه آورده است که: «تاج مرید سعدی بود و در آوازه‌هایش بیشتر غزلهای سعدی را می‌خواند». این کاملاً صحیح است. اساساً رابطه معنوی تاج با شیخ اجل سعدی بسیار محکم و عمیق بود. تاج بر اثر تداوم در مطالعه دیوان سعدی ظرایف و نکات و معانی شعر او را به خوبی درک می‌کرد. و این درغزلخوانی از اصول انکار ناپذیر است که غزلخوان باید از طریق ایجاد ارتباط عمیق با شاعر سنخیت پیدا کند و براساس این ارتباط شعر شاعر را خود بفهمد تا بتواند آن را به شنونده‌ی اثرش منتقل کند. تاج در مورد اکثر شعرهایی که خوانده است به همین ترتیب عمل می‌کرده به طوری که وقتی آدم غزلی را با آواز تاج می‌شنید، گمان می‌کرد که شعر نیز از خود تاج و سروده اوست. حکایتی را خود او نقل کرده است که: «روزی در شیراز عده‌ای اهل ذوق از تاج می‌پرسند چرا شما غزلهای حافظ را نمی‌خوانید؟ تاج می‌گوید من با شعر سعدی مانوس ترم و آن را بهتر و عمیقتر درک می‌کنم. باز اهل مجلس در سؤال خود پافشاری می‌کنند و تاج که خواسته بود به طریقی این بحث را پایان دهد به سوال کنندگان می‌گوید اصلاً بهتر است از خود حضرت لسان الغیب دستور بگیریم. دیوان حافظ را می‌آورند و به گونه تفال باز می‌کنند این غزل می‌آید:

زدر درآ و شبستان مامور کن

هوای مجلس روحانیان معطر کن

تاج غزل را به آواز می‌خواند و همه از تسلط او بر شعر حافظ نیز تعجب می‌کنند.

ولسی وقتی تاج به بیت مقطع غزل یعنی این بیت می‌رسد:

پس از ملازمت عیش و عشق مهرویان

شهناز که پای ثابت اجراهای تاج بودند انجام می‌شد. تداوم همکاری این سه هنرمند با هم در طول سالهای متمادی موجب شده بود که گروه آنها را «ساران ثلاث» بنامند. البته گاه می‌شد که برای اجرای قسمتهای ترانه و تصنیف از وجود هنرمندان دیگر هم استفاده می‌کردند ولی جواب آوازهای تاج در اجراها بیشتر به عهده این دو استاد بود.

جز کسائی و شهناز، تاج در طول مدت فعالیت‌های پرثمر هنریش با این هنرمندان نیز آواز خوانده است: نایب اسدالله نی زن معروف (که تاج نزد او آموزش آواز هم دیده است)، مهدی نوائی شاگرد قابل نایب اسدالله و استاد آقای حسن کسائی، حسین خان اسمعیل زاده^{۳۳} (کمانچه)، شکرالله شیرازی معروف به شگری

السلطنه (تار)،

ابوالحسن



زکارها که کنی شعر حافظ از بر کن
در بیت تصرفی می‌کند و آن را به این گونه می‌خواند:
پس از ملازمت «شیخ» و عشق مهرویان
زکارها که کنی شعر حافظ از بر کن

و به حضار می‌گوید: «خودحضرت لسان الغیب هم
ملازمت «شیخ اجل سعدی» را بر عشق مهرویان و عشق
مهرویان را بر شعر حافظ ترجیح داده است...» همه حضار
نکته سنجی تاج را تحسین می‌کنند.

از زنده یساد جلال تاج اصفهانی شاگردان زیادی آواز
فراگرفته‌اند. این گروه از دو دسته خارج نیستند. یا مستقیماً
شاگرد او بوده‌اند و یا غیرمستقیم از روی صفحه و نوار و آواز
را شنیده و تقلید کرده‌اند که از دسته دوم به عنوان نمونه
خواننده خوش صدا آقای حسین خواجه امیری (ایرج) را
می‌توان نام برد. در ضمن بسیاری از خواننده‌های ما در طول
سالهای دراز فعالیت هنری تاج گهگاه حضوراً از شیوه تاج
بهرمور شده‌اند و از مجموع ریزه‌کاریهای شیوه آوازی او نکاتی
را به وام گرفته‌اند و در آواز خود به کار برده‌اند.
از شاگردان مستقیم زنده یاد تاج به عنوان نمونه چند نام
را ذکر می‌کنم:

از قدیمیها: آقای مرتضی شریف (قاضی دادگستری)
که شیوه تاج را خیلی خوب می‌خواند. ایشان سالهاست در
آباده شیراز ساکن هستند.

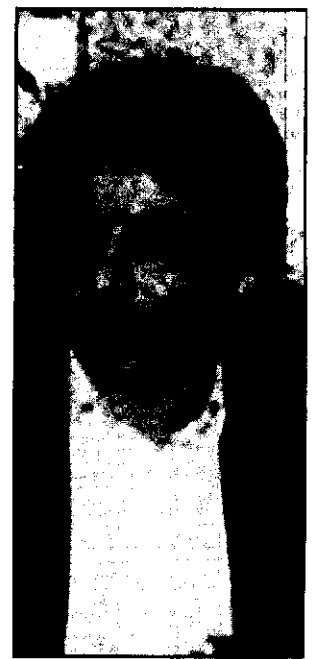
آقای علی اصغر شاه زیدی که شاگرد نخبه و برگزیده
و نیز مونس و همدم دائمی زنده یاد تاج بود. شاه زیدی نکات
آوازی شیوه تاج اصفهانی و جزئیات ردیف را به خوبی درک
کرده و در خواندن مسلط است. او در حال حاضر چراغ مکتب
و کلاس تاج را روشن نگاه داشته و به تعلیم شیوه تاج به
هنرجویان اشتغال دارد.

آقای علیرضا افتخاری خواننده خوش صدا که مدتی به
شاگردی تاج مفتخر بوده است.

آقای تقی سعیدی خواننده جوان و خوش صدایی که
ساز هم خوب می‌زند. او نیز از شاگردان مورد توجه تاج بوده
است. نامبرده چون به همراه پدرش (حاج آقا شهیدی بزرگ
خواننده خوش صدا که با صدای فاخرش امام خوان تعزیه‌های
«ولاشان»^{۲۵} اصفهان است) از کودکی در تعزیه‌های «ولاشان»
شرکت می‌کرده و «طفل خوان» تعزیه بوده است، توانست
به زودی نزد تاج و کسانی ردیف را بیاموزد و نکات آوازی را
فراگیرد. او صدای گرم و موثری دارد و بخصوص گوشه‌های
دشتستانی و لری را بسیار خوب می‌خواند.

در مورد اخلاق و روحیات و سجایای معنوی تاج
هنرمندان و هنردوستان در اظهار نظرهای خود شرح و بسط
کافی داده‌اند. همین قدر باید دانست که در میان آوازخوانان
بی‌تردید از جهت سجایای اخلاقی و معنوی در طول سالهای
گذشته هیچ کس به پایه و مایه تاج نمی‌رسد.

زندگی این جهانی تاج خیلی ساده و صمیمی و مختصر
بود:



علیرضا افتخاری

۱- او یک بار ازدواج کرد. همسرش زنی فداکار، مهربان
و کدبانو است که محیط خانه و زندگانی «تاج» را به طریقی
می‌گرداند و اداره می‌کرد که در پناه آرامش به دست آمده، این
هنرمند توانست به کارهای هنری خود برسد. تاج همیشه از
این بانوی مهربان عمیقاً سپاسگزار و شاکر بود.

۲- تاج هنر را وسیله امرار معاش رسمی و قطعی خانواده
خود قرار نداد. او کارمند شهرداری اصفهان بود و مانند پدرش
زندگی فقیرانه‌ای را با قناعت می‌گذراند. او هرگز هنر را به پول
نفروخت و در مجالس شبانه و انجمنهای آنچنانی هرگز شرکت
نکرد. روزی به من گفت: «بارها برای میراب محله و آدمهای
عادی کوچه و بازار ساعتها آواز خوانده‌ام و لذت برده‌ام ولی دلم
حاضر نشده که ولو یک ساعت در مجالس اشرافی اصفهان یا
تهران حاضر بشوم و وسیله فرو نشاندن آتش «تفرعن» این
گونه آدمها باشم».

۳- در خاندان تاج، علم سرمایه‌ اصلی است و فرزندان
او نیز مانند پدر و جدشان هر یک به نسبت خود از دانش و
معرفت بهره‌مندند.

۴- از تاج شش فرزند به‌جا مانده است که اکثرأ صوت
خوش پدر را به ارث برده‌اند. چهار دختر به نامهای: تاج
الملوک، پروین، هما، پروانه و دو پسر به نامهای: همایون
و جمشید.

زندگی پربار و پربرکت این هنرمند سترگ در ساعت
۹ شب جمعه سیزدهم آذرماه ۱۳۶۰ در سن ۸۵ سالگی
به پایان رسید و او در خانه مسکونی‌اش (واقع در کوچه تاج
،حد فاصل بین خیابانهای آذر و اردیبهشت) در اصفهان، بدون
مقدمه و بیماری قبلی به مرض سکنه قلبی درگذشت و او را
در تخت پولاد اصفهان روبه روی تکیه سیدالعراقین به خاک
سپردند. روانش شاد باد!

در مراسم یاد بود، سوم، هفتم، چهلم و سال تاج
مراسمی باشکوه در اصفهان تشکیل شد که در آن اهل ذوق
و ادب و هنر گرد آمدند و درباری او و هنرش او داد سخن
دادند. یادنامه‌ای نیز به همین مناسبت به همت آقای همایون
تاج فرزند ارشدش و با سعی و کوشش بی‌دریغ شاعر توانا
و ادیب و هنرمند معاصر اصفهانی، اسناد منوچهر قدسی
منتشر شد که سخت مورد توجه علاقه مندان قرار گرفت. نام
شاعرانی که در ستایش تاج سروده‌اند به ترتیب الفبایی چونین
می‌آید: حسام‌الدین دولت آبادی، ابولحسن ورزی، قاسم سیاره
شهرضایی، دکتر محمد شفیعی، مجتبی کیوانی، منوچهر
قدسی، علی مظاهر، عطااله رواقی، قدرت‌اله هاتفی و در ادامه
اظهار نظرهایی از استادان می‌آید:

استاد علی تجویدی، آهنگساز و نوازنده ویلن:
«... در ۵۰ سال اخیر هر وقت صحبت از هنر آواز اصیل
ایرانی شده، تنها نام تاج اصفهانی در نظرها مجسم می‌شود
. صدای گرم، گیرا، شفاف و از همه مهمتر سلیقه و ذوق
آن روانشاد در انتخاب اشعار و تلفیق شعر و موسیقی و به
کارگیری تحریرهای مناسب باعث اعجاب است. در صفحه

علی اصغر شاه زیدی، شاگرد زبده تاج و ادامه دهنده راه او:

«افتخار آشنایی با بزرگ استاد آواز اصیل ایرانی، تاج اصفهانی، بعد از چند سال که کم و بیش با ردیف موسیقی اصیل ایرانی آشنا شدم دست داد، سال ۱۳۴۹ شمسی بود که سعادت درک محضر او را یافتم.

تاج نه تنها در هنر خود استادی یگانه و بی‌مانند بود که مظهر اخلاق انسانی و نمونه‌بارز فضائل و ملکات نفسانی به شمار می‌رفت. در کلاس درس تنها به تدریس مسائل هنری نمی‌پرداخت که اهمیت توصیه‌های اخلاقی او هیچ‌گاه کمتر از تعلیم دقایق هنری نمی‌بود، گویی وظیفه خود می‌دانست که اگر با تعلیمات خود هنرمندانی را به عرصه برازندگی می‌رساند هنرمندانی انسان و انسانهایی هنرمند به جامعه تحویل دهد، از این رو بود که همیشه و همواره نسبت به مسائل اخلاقی در مهربانی با مردم، محرمیت با دوستان، دلجویی از خویشیان و مسائلی از این دست توصیه و تاکید می‌فرمود و جداً اعتقاد داشت که هنر هر قدر به اوج اعتلا برسد، بدون فضائل اخلاقی و ملکات انسانی چیزی ناقص و ناتمام است.

و اما در مورد آن بزرگوار از دید هنری باید بگویم و اذعان کنم که ایشان از صدا و حنجره‌ای برخوردار بودند که بنده نظیر آن را ندیده‌ام و گمان نمی‌کنم به این زودیها بتوان همانند او را در این مملکت پیدا نمود که آنچه تاج را به عرصه برازندگی هنر آورد مسائلی بود که تکرار آن‌ها وقت و فرصت لازم دارد تا در جامعه‌ای ممکن و میسر گردد.

کسانی که حضوری صدای استاد را شنیده‌اند می‌دانند که زبان و قلم در توصیف آنچه او بود و داشت و گه‌گاه عرضه می‌کرد، ناتوان است. درباره نوارهایی نیز که از ایشان مانده باید بگویم که گرچه همه عزیز، نگه داشتنی، ماندنی و جاودانی است، اما هیچ‌کدام نشان دهنده کیفیت استثنایی کار تاج نیست و اصولاً این بنده اعتقاد دارم که «اپراتور» یا «ضیاطی» آشنا به رموز و دقایق و ریزه‌کاریهای تاج می‌بایست باشد که با علاقه و سالها تجربه و ممارست به ضبط دقایق مخصوص و کم نظیر آواز تاج بپردازد، افسوس که چنین نشد، به همین دلیل به نظر بنده، هر کس که آوازهای تاج را حضوری نشنیده باشد می‌شود گفت که اصلاً آواز نشنیده است.

در خاتمه این نکته نیز از نظر این جانب گفتنی است که تاج در آواز ایرانی صاحب سبک و مکتبی خاص است سبک و مکتبی که آن را باید میراث موسیقی اصفهان نامید و از قرن‌ها پیش در این آب و خاک نشو و نما یافته تا به دست تاج رسیده است، مکتبی مشکل و سبکی بسیار غامض و پیچیده که باید جامع جمیع شرایط خوب خواندن باشد و شرایط آن هم یکی، دو تا به موارد معدود منحصر و محدود نیست، این مکتب اصیل باید ادامه یابد و انشاءالله به همت اخلاف و شاگردان تاج بالنده و سرفراز همچنان به آینده سپرده خواهد شد. حال اگر عده‌ای به کتمان این حقیقت

معروف همایون، استاد تاج اصفهانی از تحریرهای مترادف و زیر و رو بخصوص در قسمت بیداد چنان استادانه و در نهایت لطافت از این‌گونه تحریرها استفاده کرده که تاکنون سابقه نداشته است. افسوس که موسیقی هنری است که فقط باید از راه گوش شنید و لذت برد و به هیچ وجه نمی‌توان لطایف و ظرایف هنر موسیقی را تفسیر و توجیه کرد و کیفیت آن‌همه راز و نیاز و سوز و گداز را تشریح کرد و به روی کاغذ آورد... واقعاً نمی‌توان خصوصیات آواز و هنر تاج اصفهانی را روی کاغذ منعکس کرد، تنها می‌توانم بگویم: تاج مبتکر و ابداع کننده مکتب و سبکی است که نام آن سبک تاج اصفهانی است. در عالم هنر و هنرمندی آنچه از همه مهمتر است ابداع، انشاء، خلاقیت و از همه مهمتر ایجاد سبک و روش تازه است که این هنرمند به تمام معنی واجد آن بود...

تاج نمرده و هرگز هم نمی‌میرد و تا وقتی که نام موسیقی ایران و آواز ایرانی برده می‌شود او همچون تاج جواهری گرانبها بر تارک هنر اصفهان می‌درخشد...

افتخار دارم که من نیز با چنان هنرمندی در رشته موسیقی همکاری داشته و از مکتبش کسب فیض کرده‌ام...»

(۱۳۶۰ خورشیدی)

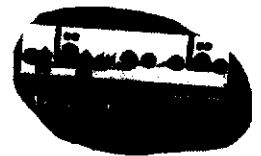
دکتر ساسان سپنتا - استاد فیزیک دانشگاه اصفهان و کارشناس موسیقی:

«تاج چون نزد استادانی مانند سید عبدالرحیم اصفهانی و نایب اسدالله و میرزا حبیب شاطر حاجی آواز فرا گرفته بود. به خصوصیات مکتب آواز اصفهان به خوبی واقف بود. تاج از نظر تنوع تحریر و واضح خواندن شعر و شناختن و اجرای گوشه‌های ردیف موسیقی ایران و به ویژه مناسب خوانی و اجرای ضربیهای مناسب در هر گوشه از دستگاه موسیقی ممتاز بود. تاج دارای قدرت صدا و تداوم کافی نفس برای پشتیبانی تمهیدات آوازی مانند پیوندها و فیگورهای ترتیبی آواز بود و هم در آواز و هم در اجرای تصنیف و تلفیق هجاهای شعر با نغمه‌های موسیقی مهارت داشت. آثار او از نمونه‌های ممتاز آواز ایرانی به شمار می‌آید.

حدود تحریرهای تاج معمولاً در پیرامون نت‌های لامساوی ۴۴۰ هرتس و سی می‌باشند و حدود صدای او قابل تطبیق با حدود صدای «تنور» در آواز اروپایی است که تحریرهای سنتی و فیگورهای تکیه دار را بیشتر در نت‌های پیرامون فا ۳ تا سی ۳ اجرا کرده است. از نمونه خوب تحریرهای او می‌توان آنچه در صفحه مشهور همایون اجراء کرده است (از تو با مصلحت خویش نمی‌پردازم، همچو پروانه که می‌سوزم و در پروازم) یاد کرد.

تحریرهای تاج بیشتر تلفیقی بود از تحریرهای ویژه حبیب شاطر حاجی و بخصوص سید عبدالرحیم اصفهانی. ضمناً بعضی تکیه‌های مسلسل را که در فرازهای اجرایی نی نایب اسدالله شنیده می‌شود تاج برای تحریرهای آواز به کار برده است.»

(شهریور ۱۳۷۰ خورشیدی)





بپردازند باید گفت:

شب پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نگاهد

(شهریور ۱۳۷۰ خورشیدی)

دکتر محمد شفیمی _ استاد دانشگاه اصفهان _ شاعر:

« نخستین دهه افول ستاره درخشان آسمان هنر موسیقی اصیل و سنتی ایران را گرامی می‌داریم. ده سال پیش یکی از ارکان استوار کاخ هنر آواز این سرزمین فروریخت و اندوهی عمیق بر کاروان موسیقی ایران سایه افکند. در آن روزگار اندوهبار آنچه بر ضمیر افسرده این دوستدار هنر موسیقی گذشت به دیوان و دفتر منتقل شد و احساس ناب خود را در قالب شعر و مقاله و سخنرانیهای متعدد ابراز کردم و امروز که با شنایی غیر قابل باور ده سال از این ضایعه هولناک گذشته است بار دیگر به سوگ آن عزیز نشستام و به بررسی شخصیت روحی، اجتماعی و هنری جلال تاج اصفهانی می‌پردازم.

نخست فضايلت اخلاقی غیر قابل توصیفی که تمام وجود آن در گذشته هنرمند را فرا گرفته بود به دست انتشار می‌سپارم و در چند جمله می‌گویم در عمر نسبتاً طولانی این عزیز هیچ کس خشم و غرور و خودخواهی از او ندید و سلامت نفس و کرامت انسانی وی زبانزد خاص و عام بود. هنر خداداد خود را در خدمت زر و زور قرار نداد و خواندن برای یک مامور ژاندارمری آن روزگار را در پاسگاههای دور از آب و آبادی بر حضور در کاخ قدرتمندان پایتخت ترجیح می‌داد. هر جوان خوش صدایی را که فارغ از تعلیم ضوابط موسیقی و شناخت دستگاهها و گوشه‌ها به خنیاگری آشفته و نادرست می‌پرداخت ارشاد می‌کرد و با تکان دادن سر به تشویق او همت می‌کرد تا به امروز که معدودی از آن جوانان تازه کار به قله اعتبار هنری و تسلط بر موسیقی اصیل نزدیک شده‌اند. گرایش به تفنن‌های معمول و متداول میان جامعه هنری را به استهزاء می‌گرفت و برای تاثیر کلام خویش در همه عمر از شرب مسکرات و آلودگی به دخانیات پرهیز می‌کرد و دیده‌ایم که در آستانه ۸۵ سالگی هنوز توان خواندن در اوج را داشت و هنر مناسب خوانی

و تحویل دادن شعر را که از استاد خود به تعلیم گرفته بود فراموش نمی‌کرد این هنر در مقایسه صدای کهنسالی او با بعضی نام‌آوران روزگار ما به وضوح محسوس است که اگر شنونده شعر معروف حافظ و سعدی را در حافظه نداشته باشد امکان شناخت کلمات غزل آواز برایش میسر نیست. نکته دیگری که در کار این خنیاگر سترگ زمانه به چشم می‌خورد توجه به تاثیر آواز او در شنونده بود. وقتی که بعضی از تنگ مایگان برای نشان دادن مختصر آگاهی خود از گوشه‌های آواز، نام مثلاً نغمه، جامه دران و زابل و عراق را بر زبان می‌راندند به صراحت می‌گفت باید خوب خواند، شناخت این گوشه‌ها نشانه آگاهی به موسیقی علمی است در صورتی که خواننده باید با صدای خود شور و حالی در خواننده ایجاد کند و کوتاه سخن این که طرفدار عقیده ارسطو نام آور بزرگ یونان بود که غایت هنر را تزکیه نفوس می‌انگاشته است. من و گروهی از همسالان من که حدود نیم قرن با این اسطوره فضیلت و هنر مانوس بوده‌ایم (تاج) را مظهر شرافت انسانی و نمونه‌ی راستین هنرمندی فروتن و انسانی کامل عیار می‌دانیم. با تمام عدم اهلیتی که در زمینه موسیقی دارم معتقدم تاج راهبر مکتب اصفهان بود و ادامه دهنده راهی که نام آوران بزرگ موسیقی پیش از او چون سید رحیم _ طاهرزاده و همسفر بلند آوازهاش ادیب خوانساری ادامه دهنده آن راه بودند. تحریر در آواز تاج از چنان پیوستگی و نرمش و لطافتی برخوردار بود که شنونده را آرام آرام با خود به وادی نشاط معنوی راهنمون می‌شد و برخلاف گروهی از مکتبهای دیگر موسیقی که در تحریرهای خود صدای برهم خوردن فلزی را بر روی هم تداعی می‌کند و بریدگی ناهنجاری در تحریرها پدید می‌آورد حرکت آب را در جویباری صاف و بی دست انداز نشان می‌داد. روانش شاد و یادش در حافظه غبار آلود زمان پایدار بادا»

(شهریور ماه ۱۳۷۰ خورشیدی)

استاد سید محمد طاهر پور _ استاد آواز و

برادرزاده مرحوم سید حسین طاهر زاده:

« ... درباره مقام هنری تاج باید یادآور شوم که نامبرده اولاً از تقلید پرهیز می‌کرد و به همین علت به مقامی دست



یافت که شایسته او بود. در مقاله‌ای خواندم که وقتی مرحوم استاد سید حسین طاهرزاده بنیانگذار مکتب نوین آواز سنتی برای نخستین بار مرحوم سید رحیم استاد چیره‌دست خود را دیده بود، گفته بود که مراد و مرشد خویش را یافته است و طاهرزاده با آن که سید رحیم را مراد مرشد خود در هنر می‌دانست مع الوصف سبکی را پدید آورد که با سبک سید رحیم تفاوت فراوان دارد و درست هم همین بود.

مرحوم تاج نیز از همین شیوه پیروی می‌کرد. از سخنان جالب استاد صبا هنرمند والای ما یکی این بود که: (هر هنری با تقلید شروع می‌شود ولی هنرمند مبتکر و نابغه است که از ادامه تقلید پرهیز می‌کند...). مرحوم تاج نیز با این که از محضر دو استاد نامدار، سید رحیم و طاهرزاده و دیگر استادان بزرگ از جمله حبیب شاطر حاجی و امثال وی استفاده کرده بود ولی سرانجام سبکی بدیع و دلنشین و حیرت انگیز برای خود اتخاذ کرد که از تمام استادان دیگر متمایز و در عین حال گیرا و رسا و دلنواز و تحسین برانگیز بود...

مرحوم تاج به این چهار اصل و چهار عنصر ریشه‌ای که لازمه فن خوانندگی است آن چنان مجهز و مسلط بود که همه را حیران می‌ساخت:

۱- انتخاب شعر متناسب با زمان و مکان و محفل و مجلس.

۲- قدرت درست خواندن که توانایی حنجره او در این مورد نقش عجیبی داشت و تفهیم و القای مفهوم شعر به شنونده.

۳- تحریرهای متناسب با شعر، نه کم و نه زیاد.

۴- شروع دستگاه یا به عبارت دیگر برداشت آواز و اجرای گوشه‌های هر دستگاه و سپس فرود آن.

تا جایی که به خاطر دارم این ویژگیها همه و همه در حد اعلای کمال به او تعلق داشت و در یک کلام باید بگویم که او استاد به معنای واقعی کلمه بود... خدایش رحمت کندا»

(۱۳۶۰ خورشیدی)

استاد اجل احمد عبادی نوازنده بی‌همتای سه تار:

«من صدای تاج اصفهانی را در حدود شصت سال پیش از گرامافون‌های (هیزمستر ویس) و (پولیفون) که در آن زمان مرسوم مجامع عمومی و خاصه قهوه‌خانه‌ها بود شنیده بودم و فوق العاده تحت تأثیر صدای این خواننده بودم و چون این آوازه‌ها با ساز اساتید یگانه زمان همراهی شده بود بیشتر در شنونده تأثیر می‌کرد. همه جا صحبت از تاج اصفهانی بود و بسیاری مایل به ملاقات حضوری و شنیدن صدای وی و دیدن قیافه او بودند. از جمله خود من بسیار مایل به دیدن ایشان بودم. اما برای آن که تاج ساکن تهران نبود و در آن زمان سیاح وار به دور ایران می‌گشت تا مدت‌ها موفق به دیدار او نشدم. تا بالاخره حدود پنجاه سال پیش او را در تهران دیدم و دوستی ما آغاز شد...

آخرین باری که ایشان را دیدم در منزل شاطر رمضان ابوطالبی بود که استاد یگانه نی ایران حسن کسایی و تنی چند از موسیقیدان‌های اصفهان آنجا بودند و این هفته آخر زندگی تاج بود. در آن روز با ایشان برنامه اجراء شد و من از قدرت حنجره و دیگر خصوصیات آوازی تاج آن هم در آن سن تعجب کردم. خدایش بیامرزد، او انسانی کامل بود که بسیاری از صفاتی را که در نزد جمعی از همکاران ما مفقود است داشت. بسیار مهربان و خوش اخلاق و کوچک نواز بود. هرگز به کسی حسادت نکرد و از کسی بد نگفت. او مردی بزرگ بود که سالها در تاریخ موسیقی ما درخشید و مشکل بتوان برای او نظیری پیدا کرد. هیچ کس را هم ندیدم که از لحاظ بیان و ادای کلمات شعر به پای او برسد...»

(۱۳۶۰ خورشیدی)

استاد منوچهر قدسی، ادیب و شاعر هنرمند:

یاد یاران یار را میمون بود

«من، در حدود سی سال با تاج، دوستی و رفت و آمد داشتم و این دوران عزیز آرزو پرور و پرشور و حال عمر من بود که از میانسالی تا پیری استاد و از جوانی تا آغاز پیری من زمان گرفت.

اما گفتنیها و نوشتنیها را درباره تاج، در جلسات متعددی که در این ده سال اخیر به یاد بود او تشکیل شده و نیز در کتاب یادنامه تاج که به مناسبت نخستین سال درگذشت او منتشر نمودم، جای جای گفته و نوشته‌ام.

حالی آنچه به نظر می‌آورم که درباره آن هنرمند یگانه بگویم این است که: علی‌الاصول داغ مرگها کهنه شدنی است، حتی در مورد عزیزترین نزدیکان این طور است، اما در جمع دوستان اصفهان نه تنها اثر نبودن تاج بیرنگ و کمرنگ نشده که هر روز بیشتر فقدان وجود نازنین او را احساس کرده‌ایم، چه از لحاظ هنر و چه از جهت اخلاقی، که خواننده‌ای تا آن حد جامع جمیع شرایط و لوازم، صبر بسیار بیاید تا مادر ایام بزیاید.

هنرمندان گرامی ما هرکدام در فنی از فنون یا چند فن شاخص هستند، یکی خوب می‌خواند اما شعرش نامفهوم است، یکی مجلسی خوان و گرم خوان است، اما صدایش آن وسعت لازم را ندارد، یکی برعکس، حنجره باز وسیع فراگیر دارد اما فی‌المثل در نقطه‌ی بالای اوج دیگر نگاهداشت صدا و جمع و جور کردن آن از دستش می‌رود، دیگر جامع جمیع محسنات است، اما در شعر پیاده است و به شعر و ادب پارسی و کاربرد آن مسلط نیست. از نظر من این تنها تاج بود که همه شرایط و لوازم هنر اصیل صحیح را از طبیعی و مکتسب در خویش جمع داشت و نکته‌ای را همین جا عرض کنم که صدای تاج با بلندگو و دستگاه سازگار نبود، خوانندگانی را داشته و داریم که نه تنها «میکروفن» از لطف صدایشان نمی‌کاست و نمی‌کاهد که بسی بدان افزوده و می‌افزاید، اما تاج را باید در حضور درک می‌کردی که وسیله و دستگاه از اوج و اعتلا و فراز و فرودی که او در صدا داشت



تمامی و کمال درنیافته‌اند که نوار آن هم اغلب با ضبطهای ناقص مجلسی و خانگی به هیچ وجه نمی‌توانست آن اعتلای هنری را منتقل کند، حق همان است که استاد همایی فرمود. آنجا که خواندن تاج را چیزی در حد اعجاز سعدی قرار داد و گفت:

سرود سعدی و آواز تاج و ساز صبا
به تاج و تخت کیانی مده که مختصر است»

(شهریور ۱۳۷۰)

استاد حسن کسایی _ نوازنده بی بدیل نی:

هنر فرزند بالنده «عشق» است و هنرمند «عاشقی» است که همه هستی خود را در پای «عشق» این دردانه عالم هستی می‌ریزد.

عزیزی از من خواسته است که درباره تاج این گزیده «عاشق» تاریخ هنر بنویسم و از هنر او یاد کنم. مگر می‌شود از «عشق» گفت؟ مگر معنای دریایی «عشق» در ظرف کلام می‌گنجد؟ وقتی خداوندگار عشق حضرت مولانا جلال الدین بلخی از بیان و شرح «عشق» اظهار عجز می‌کند و می‌گوید:

« هر چه گویم عشق را شرح و بیان

چون به عشق آیم خجل مانم از آن

یک زبان باید به پهنای فلک

تا بگویم شرح عشق آن ملک »

من چه بگویم؟ و چگونه بگویم؟

عشق را باید چشید و از عمق جان حس کرد. عشق گفتنی و آموختنی نیست. عشق آمدنی است.

همان گونه که باز حضرت مولانا می‌فرماید:

شمعی است دل مراد افروختنی

چاکی است فراق دوست نادوختنی

ای بی خبر از ساختن و سوختنی

عشق «آمدنی» بود نه «آموختنی»

برای درک هنر تاج باید آوازش را شنید و آن عشق

متموج در دریای هنر او را با گوش جان حس کرد. ولی چون

از امر این عزیز نمی‌دانم سر بنامم به مصداق:

آب دریا را گر نتوان کشید

ناچار چند سطری می‌نویسم .

اگر از من خواسته بودند که «تاج» را با «نی» بنوازم ،

این کار برایم آسانتر بود تا بنویسم!...

مردی هنرمند با حنجره‌ای استثنایی و نیز خلق و خوی و

استعداد استثنایی در حدود ۹۵ سال پیش پا به عرصه وجود

گذاشت و عالم خاک را به قدم شریف خویش مزین کرد.

او جلال تاج اصفهانی بود. از پنج شش سالگی به بعد نبوغ

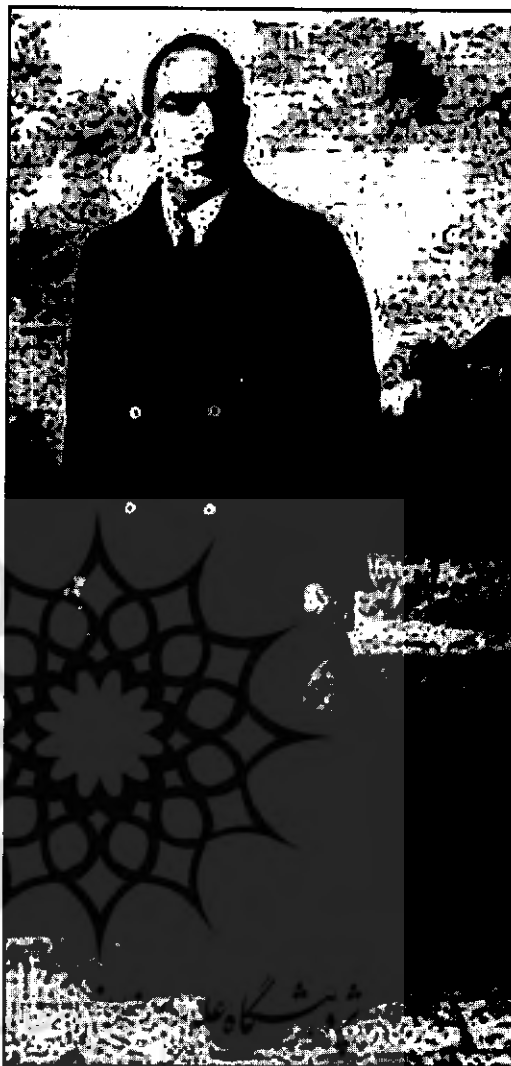
هنری در حنجره‌اش متبلور شد و خواندن را آغاز کرد. او از

دل می‌خواند نه حنجره! که حنجره تنها یک وسیله بود برای

بیان بخشی از آنچه که در دل او می‌گذشت و نه همه آن!...

او با صدایی آسمانی به مدت هشتاد سال در طول عمر

پربرکتش با صلابت آواز خواند و به شیوه مناسب خوانی



می‌کاست و ندیدم در بین عزیزانی که در کار ضبط تخصص دارند کسی بتواند آن گونه که باید به تمامی و کمال، دستگاه نوار را با دقایق کار تاج تنظیم کند، اینجاست که به جرات عرض می‌کنم؛ هر کس حضور تاج را در خواندن درک نکرد، تاج واقعی را نشناخت! و من که سی سال سعادت معاشرت و مصاحبت روزان و شبان، در سفر و حضر با تاج را داشته‌ام، خواندندهایی از او دیده و شنیده‌ام که هیچ گاه به وصف و قلم در نمی‌آید.

در قضاوتها گاهی تنگ نظری، بی‌دقتی و سهو و عمدهایی می‌بینیم و می‌خوانیم که بعضی بسیار جای تأسف دارد، مثلاً از این بابت که بی‌تردید تاج وسیعترین صداهای زمانه خود را داشت، عده‌ای می‌گفتند و می‌گویند که او متخصص اوج خواندن بود، دانگهای کمتر را به گرمی و نرمی و لطافتی که باید حقش را ادا نمی‌کرد و همین جاست که باید عرض کنم. آنها تاج را آن گونه که بود به



بهترین اشعار را در مناسبترین قالب بیان به گوش جان دوستدارانش رساند.

این بنده ، سید حسن کسائی ، مدت ۵۰ سال (از زمان کودکی که سه یا چهار سال بیشتر نداشتم تا ده سال پیش یعنی از ۱۳۱۱ تا ۱۳۶۰ خورشیدی) غالباً در خدمت تاج بوده‌ام و از محضر پرورش کسب فیض کرده‌ام. از این مدت ۴۰ سال تمام به تنهایی و با به اتفاق استاد جلیل شهنواز افتخاری همنازی با آواز تاج را داشته‌ام.

به دلیل این خدمت خدمت در حضرت این استاد است که به خود اجازه می‌دهم درباره هنر او قضاوت کنم و با قاطعیت بگویم که او در عرصه آواز ایرانی هنرمندی بی‌مانند و پهلوانی شکست ناپذیر بود.

صدای او از جنسی دیگر و به قول شمس قیس رازی از «لونی» دیگر بود. این صدا هرچه بود «خاکی» نبود. یک موهبت «افلاکی» بود.

او در آستانه ۹۰ سالگی وقتی می‌خواند، اگر چشم برهم می‌نهادی و گوش دل به آوازش می‌سپردی ، صدا را صدای جوانی ۲۰ ساله تصور می‌کردی ...!

استاد بی نظیر آواز ایران زنده یاد سید حسین طاهرزاده با پدرم مرحوم سید جواد کسائی سالهای مدید دوست و مانوس بود. ایشان به این بنده محبت خاص داشت. او در سالهای آخر عمر عضو شورای عالی موسیقی رادیو شده بود.

یک روز به ایشان عرض کردم : «از این همه خواننده که در رادیو برنامه اجرا می‌کنند کدام یک را بیشتر می‌پسندید؟» ایشان گفت : «ادیب خوانساری ...»

پرسیدم : «بعد از ادیب؟» فرمودند : «ادیب ، ادیب ، باز هم ادیب ...!» و بعد اضافه کردند که : «اگر رادیو به اختیار کامل من بود، دستور می‌دادم فقط ادیب آواز بخواند...»

هم به قدر تشنگی باید چشید

من در سی سال آخر عمر زنده یاد اسمعیل ادیب خوانساری با ایشان مانوس و همناز بوده‌ام البته حق با استاد طاهرزاده بود، ادیب الحق گرم و گیرا و با احساس می‌خواند. اکثراً اتفاق می‌افتاد در جلسه‌ای با حضور تاج به صورت سوال و جواب و رو به رو می‌خواندند.

این دو هنرمند متخلق، هر دو از هم تعریف می‌کردند. یادم می‌آید که روزی مرحوم تاج گفت : «صدای من شش دانگ است و صدای آقای ادیب چهار دانگ ولی بهتر است صدا اگر دو دانگ هم هست مثل صدای آقای ادیب گرم و گیرا باشد و ده ، شش دانگ ...!» و در مقابل مرحوم ادیب رو به من کرد و گفت : «آقای کسائی ! معطلت نکنم ، من همه خوانندگان را دیده‌ام ، صدای کسی در برابر آقای تاج جلوه ندارد و هر کس با او رو به رو بخواند قافیه را باخته و صدای خود را از سکه انداخته است...»

این چند سطر مختصری بود از گزارش ۵۰ سال زندگی دائمی با تاج اصفهانی ، هنرمندی بزرگ که به تمام جزئیات ردیف موسیقی ایران تسلط و آگاهی کافی داشت و از خود

نیز صاحب ابداعات دلپذیر در آواز بود. به قول سعدی علیه الرحمه :

همه بیندند، نه این صنع که من می‌بینم
همه خوانند نه این نقش که من می‌خوانم
عشق من با گل رخسار تو امروزی نیست

دیر سالی است که من بلبل این بستانم
یک نکته را نیز به عنوان جمله پایانی مطالبم عرض کنم و آن این که : شناخت خواننده و نوازنده راهگشا و متبحر کار هر کس نیست :

دیده ای باید که باشد شه شناس

تا شناسد شاه را در هر لباس

روی سخنم بیشتر با کسانی است که شتابزده روی موسیقی و موسیقیدانها تجزیه و تحلیل و گاه اظهار نظرهای ناسنجیده می‌کنند، اینها باید بدانند که :

تمیز خوب و بد روزگار کار تو نیست

چو چشم آینه در خوب و زشت حیران باش «

(شهریور ماه ۱۳۷۰ خورشیدی)

استاد رضا کسائی _ موسیقی شناس و کارشناس آواز :
«از من خواسته شد که به مناسبت دهمین سال فوت تاج خواننده شهیر و بی بدیل ایران مطالبی بنویسم. ابتدا به ساکن شروع می‌کنم : او مردی خلیق و مهربان بود اشخاصی که هنری بی نظیر دارند معمولاً طبیعت آنها مقداری ناآرام است آنچه ما هم اکنون ادراک می‌کنیم آنها سالها یا ماهها پیش تصور نموده و از قوه فهم آنها گذشته است ، لذا باید حق داد که آنها در راه هنر خود هفت شهر عشق را گشته و ما معلوم است در خم یک کوچه‌ایم ، لذا با وجود تمام اینها او استثنایی بود . آواز او رسا ، پر طمطراق و خصوصیات منحصربه فرد داشت. از نظر خواندن شعر که اساس پایه و اصل موسیقی ما را تشکیل می‌دهد، مظهر العجایب بود. چندین دهه عمر من با مرحوم تاج طی شده است . قلم من توانایی ادای حق مطلب را ندارد، شاید اشخاص صاحب قلم نیز نتوانند آنچه او بوده تجزیه و تحلیل کنند. اگر بخواهم این چندین دهه را ، خاطرها را ، لحظه‌ها ، ثانیه‌ها و دقایق را که او آواز می‌خوانده و من سراپاگوش بوده‌ام به رشته تحریر درآورم روزها و شبها باید بنویسم و حکایت همچنان باقی خواهد ماند، لذا به همین مختصر بسنده می‌کنم که در عرض این ده سال هر روز عدم وجود او در جان دلم ، در گوش جانم بیش از پیش رخنه می‌کند، با که بگویم چه بگویم ؟ موسیقی ما در حال اضمحلال است این برنامه‌ها غلط اندر غلط است همین و بس.»

(شهریور ۱۳۷۰ خورشیدی)

پی‌نوشتها :

- ۱- آقا سید عبدالرحیم (مشهور به سید رحیم) از خوانندگان طراز اول سبک اصفهان .
- ۲- نایب اسدالله ، نی نواز معروف و کسی که نی را از آغل گوسفندان و دست چوپانان به مجالس رسمی رساند.



۳- میرزا حسین خان ساعتاز مشهور به خضوعی - از اساتید طراز اول آواز و از افراد شاخص مکتب اصفهان است.

۴- مصراع از خواجه شمس الدین محمد حافظ است.

۵- روانشاد روح الله خالقی نوازنده ویلن، رهبر ارکستر، آهنگساز و محقق موسیقی، صاحب کتاب معتبر و دوجلدی «سرگذشت موسیقی ایران».

۶- مهدی نوائی نوازنده چیره دست نی، شاگرد برجسته نایب اسدالله و استاد حسن کسایی نوازنده معروف نی.

۷- حبیب شاطر حاجی: از خوانندگان بنام مکتب اصفهان، او سبکی ویژه در این مکتب داشته و آخر عمر در شیراز پیراهن دوزی می کرده است.

۸- میرزا حسین عندلیب نیز از خواننده‌های بنام آواز در مکتب اصفهان است.

۹- شاه ختائی نام گوشه‌نای است در دستگاه نوا (ردیف موسیقی آوازی ایران به روایت محمود کریمی) و معلوم نیست آیا گوشه‌ای به همین نام در دستگاه سه گاه هم بوده است یا نه؟

۱۰- شادروان میرزا محمد تقی ملک الشعراء بهار، ادیب و شاعر بزرگ قصیده‌ای سرای معاصر.

۱۱- عبدالحسین براننده از موسیقیدانان و آهنگسازانی است که پیش از هر آهنگساز دیگر با تاج کار کرده و برای او ترانه ساخته است.

۱۲- استاد حسن کسایی نوازنده چیره‌دست و ممتاز نی، شاگرد مرحوم مهدی نوائی است آواز هم به قرار و خوب می خواند و صدایی بسیار بانمک و گرم و گیرا دارد.

۱۳- مرحوم زرباب از خوانندگان مکتب اصفهان و معاصر و همزمان تاج الواعظین بوده، صدایش مرغوب بوده و آواز را خیلی شیرین می خوانده است.

۱۴- زنده یاد استاد اسمعیل ادیب خوانساری، اهل خوانسار اصفهان و خواننده ممتاز و درجه اول آواز در مکتب اصفهان است، او با اختلاط بعضی شیوه‌ها از مکتب آذربایجان و تهران در مکتب اصفهان برای خود سبکی ویژه ساخته بود صدای ادیب گرم، بم و بسیار موثر و گیرا بوده است.

۱۵- رباعی از روانشاد ملک الشعراء بهار است.

۱۶- شادروان مهدی خالدی نوازنده چیره دست ویلن و آهنگساز معروف.

۱۷- شاپور بهروزی نویسنده هنری مطبوعات و جمع آورنده و مولف کتاب سودمند چهره‌های موسیقی ایران.

۱۸- روانشاد خاتم ملکه حکمت شمار (ملکه هنر) از خاندان برومند از خوانندگان قدیمی ایران است که در تقارن نیز فعالیت داشته است.

۱۹- خاتم ملوک ضربایی خواننده با سابقه کرانه‌های معروف و قطعات ضربی.

۲۰- روانشاد سید جواد بدیع زاده از خوانندگان ترانه و تصنیف در رادیو و صفحات گرامافون «او فرزند مجاهد و مبارز معروف مشروطیت سید رضا بدیع المتکلمین معروف به (سید اناری) بود. سید اناری صدایی خوش داشته و بر متبر شعر می خوانده است. در زمانی هم که متنوع المنبر شده بود، توی جوال انار و دیگر میوه‌ها را می ریخت و با الاغ در کوچه پس کوچه‌های می گشت و با صدای خوشش به بهانه فروش انار، پیامهای مهیج آزادی خواهی می داد.

۲۱- مرحوم اسمعیل مهرتاش هنرمند بزرگ موسیقی و تئاتر ایران که تابلو موزیکال‌ها و تئاتر موزیکال هایش سخت معروف است، او به اتفاق ادیب خوانساری جامعه بارید را بنیاد کرد و بعد رفیع خان حالتی هم به آنها پیوست. در جامعه بار بد مهرتاش موسیقی (تار) و آواز درس می داد و رفیع خان حالتی تئاتر. مهرتاش به موسیقیهای محلی و فولکلور و عامیانه دبستگی تام داشت و کوششهایی هم در این زمینه کرده است.

۲۲- طاطائی از نوازندگان ویلن است که همزمان با مهدی خالدی وارد رادیو شد و در ارکسترهای رادیو فعالیت داشت.

۲۳- روانشاد استا ابوالحسن صبا محقق بی نظیر و موسیقیدان بزرگ معاصر که حضورش مبدا تحولی اساسی در موسیقی امروز ایران شد. او به اکثر سازها تسلط داشت، گوشه‌های گمشده و مایه‌های محلی را باز می یافت و در ردیف مدون موسیقی ایرانی وارد می کرد.

۲۴- غلامحسین مین باشیان (پدر مهرداد پهلبد) - از افسران موزیک ارتش

بود و سالها ریاست آموزش موزیک را به عهده داشت.

۲۵- شادروان قمر الملوک وزیر (قمر) خواننده طراز اول و بی نظیری که مشابه او در تاریخ موسیقی ایران کم داریم. از او آثار بسیار دلپذیری به جا مانده است.

۲۶- شادروان خانم روح انگیز (قدرت)، خواننده ای که ترانه‌های ماندنی او جزو آثار جاویدان موسیقی معاصر است. او در آغاز کار با شادروان کلنل علیقنق وزیر همکاری تنگاتنگ داشت و کنسرت‌های به یاد ماندنی اجرا کردند.

۲۷- ابراهیم آقا باشی از مهره‌های گزیده آواز در مکتب آوازی اصفهان است.

۲۸- میرزا علی خان دهکی، او نیز همانند ابراهیم آقا باشی از سرآمدان آواز در مکتب اصفهان است.

۲۹- شادروان استاد نورعلی خان برومند استاد موسیقی و نوازنده سنتور و تا و سه تار و نیز استاد مسلم آموزش موسیقی مخصوصا آواز بود. بسیاری از نوازندگان و خوانندگان خوب امروز شاگردان و دست پروردگان مرحوم نورعلی خان هستند.

۳۰- شادروان استاد مرتضی خان نی داوود از خاندانی بود که اکثراً هنرمند و نوازنده موسیقی بودند. مرتضی خان شاگرد درویش خان بود و تار را خیلی خوب می نواخت. یک دوره ردیف سازی برای رادیو اجرا کرد که گویا امروز در آرشیو رادیو نیست. او از همکاران نزدیک و دائمی قمر الملوک وزیر بود و در کار عمل و بداهه نوازی دستی تمام داشت.

۳۱- شادروان داوود پیرنیا از خاندان علم و هنر بود. مردی وارسته و آگاه به موسیقی و شعر. برنامه گل‌های جاویدان، گل‌های صحرایی و برگ سبز از ابتکارهای او بود. حضور این مرد در رادیو موجب تحول و دگرگونی در کار تولید برنامه‌های موسیقی شد.

۳۲- استاد علی تجویدی نوازنده چیره دست ویلن و آهنگساز بزرگ معاصر است که از آثار به جا ماندنی‌اش در موسیقی ما ثبت و ضبط شده است. تجویدی علاوه بر هنرهایی که دارد، در رشته موسیقی یک محقق صمیمی و جدی است او از خاندان هنر است و پدر و اجدادش در فن مینیاتور و نقاشی از سرآمدان بوده‌اند.

۳۳- حسین خان اسمعیل زاده فرزند اسمعیل خسان کمانچه‌کش دوره قاجاریه است. او از پیشگامان تحول در ساز کمانچه است و سالها با کمانچه به نوازندگان ویلن از جمله ابوالحسن صبا، حسین یاحقی - رکن الدین خان مختاری - حسام السلطنه مراد - آموزش می داد.

۳۴- استاد احمد عبادی استاد مسلم و طراز اول سه تار، فرزند مرحوم میرزا عبدالله استاد بزرگ موسیقی و نوازنده تار و سه تار است. مرحوم میرزا عبدالله تنها کسی است که به جمع آوری کامل ردیف آوازی ایران همت گماشت و از این راه حقی بزرگ بر موسیقی این سرزمین دارد. استاد عبادی تنها بازمانده هنرمند خاندان هنر است و در اخلاق و منش نمونه روزگار ماست.

۳۵- ولاشان بخشی است واقع در شهرستان فلاورجان اصفهان که در ایام سوگواری سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام در این محل تعزیه گردانی می کنند. بیشتر مردم این روستا خوش صدا هستند و این سنت را هنوز هم همه ساله دنبال می کنند. تعزیه ولاشان به نام است.

منابع و ماخذ:
 در تنظیم و گردآوری این مقاله از منابع زیر استفاده شده است:
 (۱) اطلاعات شخصی و تحقیقات شفاهی و مشاهدات نگارنده.
 (۲) مصاحبه‌های مکرر نگارنده با روانشاد تاج و دیگر هنرمندان مکتب اصفهان.
 (۳) یادها و خاطراتی که ارباب ذوق و هنر در طول سالها برای نگارنده نقل کرده‌اند
 (۴) سرگذشت موسیقی ایران (۲جلدی) نوشته شادروان روح الله خالقی. چاپ صفی علیشاه
 (۵) چهره‌های موسیقی ایران نوشته شاپور بهروزی - کتابسرا.
 (۶) نوارهای موجود در زمینه زندگی و احوال هنرمندان در آرشیوها.